

رابطه ساختار قدرت و همبستگی در خانواده با خودپنداره دانشجویان

مسعود بحرینی^۱ (PhD)، سودابه بهزادی^۲ (MSc)*، بهرام جوکار^۳ (PhD)، فرشید دهقان^۴ (MD)، شهره شهامت^۵ (MSc)

۱- گروه روان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

۲- گروه پرستاری دانشگاه آزاد ارسنجان

۳- گروه علوم تربیتی دانشگاه شیراز

۴- بیمارستان شرکت نفت شیراز

۵- گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دریافت: ۸۸/۵/۲۸، اصلاح: ۸۸/۹/۱۸، پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۹

خلاصه

سابقه و هدف: ساختار خانواده نقش مهمی در تکامل خودپنداره اعضا آن ایفا می کند. از آنجاییکه اطلاعات از چگونگی رابطه خودپنداره اعضا خانواده با مفاهیم "قدرت" به معنای توانایی تاثیر بر رفتار و تصمیم گیری دیگران و "همبستگی" به معنای روابط عاطفی اعضای خانواده در جامعه ایرانی کافی نیست. لذا این مطالعه به منظور تعیین رابطه خودپنداره دانشجویان با ادراک آنان از ساختار قدرت و روابط عاطفی در خانواده انجام شد.

مواد و روشها: این مطالعه مقطعی، بر روی ۱۳۰ دانشجوی پرستاری که از طریق نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند، در دانشکده پرستاری شیراز انجام شد. جهت سنجش خود پنداره دانشجویان از آزمون خود پنداره کوپر اسمیت استفاده شد که شامل ۸۰ گویه و حداکثر نمره +۸۰ و حداقل نمره -۸۰ می باشد، استفاده شد. ابعاد مختلف رابطه شامل همبستگی و قدرت نیز در دو وضعیت واقعی و آرمانی، از طریق نحوه قرار دان مجسمه های نمادین ساخته شده جمع آوری و مورد سنجش قرار گرفت.

یافته ها: در وضعیت خانواده واقعی، بین خود پنداره دانشجویان و ادراک آنان از همبستگی در اعضای خانواده، در هر سه نوع رابطه دانشجوی - پدر ($r=0/67$)، دانشجوی - مادر ($r=0/38$) و پدر - مادر ($r=0/4$) رابطه مثبت و معنی دار ($p=0/001$) بود. با این حال، بین خودپنداره دانشجویان و ادراک آنان از قدرت در رابطه پدر - مادر، همبستگی منفی و معنی دار ($r=-0/26$ و $p=0/003$) بود. بین ادراک دانشجویان از ساختار قدرت در خانواده واقعی ($10/15 \pm 84$) و خانواده آرمانی ($10/46 \pm 42$) نیز تفاوت معنی داری ($p \leq 0/001$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه که بین میزان خودپنداره دانشجویان، با ساختار قدرت و همبستگی خانوادگی آنان رابطه معنی داری وجود داشت، لازم است در برنامه های آموزش به خانواده و والدین، این مسئله مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: قدرت، خانواده، خودپنداره، ادراک.

مقدمه

روانشناسان و جامعه شناسان خودپنداره را جزء اصلی تشکیل دهنده شخصیت و هسته مرکزی سازگاری اجتماعی قلمداد می کنند (۱). خودپنداره شامل انسجام و وحدت بین احساسات، گرایش های خودآگاه و ناخودآگاه، درک و شناخت پیرامون هویت، ارزش ها و نقش های فرد، موجودیت فیزیکی و چگونگی شناخت فرد از خویش می باشد که عمدتاً از طریق تماس های اجتماعی با سایر

افراد و تجارب کسب می شود (۲). در دهه های اخیر مطالعات متعددی در زمینه ساختار قدرت و همبستگی اعضای خانواده و آثار آن بر متغیر های مختلف از جمله سلامت روان و مولفه های آن انجام شده است. نتایج مطالعاتی که بر مفهوم "ساختار قدرت در خانواده" به معنای توانایی تاثیر بر رفتار و تصمیم گیری دیگران متمرکز است، نشان می دهد که تعریف افراد از قدرت بر ادراک آنان از

این مقاله حاصل پایان نامه مسعود بحرینی دانشجوی کارشناسی ارشد روان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می باشد.
* مسئول مقاله:

e-mail: sina2007fars@yahoo.com

آدرس: ارسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه پرستاری، تلفن: ۷۲۹-۷۶۲۳۹۰۷-۱۲

اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف از بین کلیه دانشجویان پرستاری، دانشجویان داوطلب که دارای ویژگی های ورود به مطالعه شامل تجرد، تعداد اعضای خانواده حداکثر ۵ نفر و عدم ابتلا به بیماری حاد روانی یا جسمی در زمان اجرای مطالعه (بر اساس تایید پزشک همکار طرح)، بودند، وارد مطالعه شدند. تعداد ۴۳ نفر بدلیل نداشتن شرایط ورود به مطالعه حذف شدند.

در ابتدای مطالعه در مورد ورود و خروج داوطلبانه و اختیاری از تحقیق و محرمانه بودن اطلاعات برای دانشجویان تشریح شد. جهت سنجش خودپنداره دانشجویان از "آزمون خودپنداره کوپر اسمیت" استفاده گردید. این آزمون مشتمل بر ۸۰ گویه می باشد که در ستون روبروی هر گویه پاسخ بلی و خیر و در دو مقیاس +۱ و -۱ نمره گذاری شده است. "فکر می کنم دانشجوی موفق هستم"، "من تا حدود زیادی به خود اطمینان دارم" و "اغلب آرزو می کنم که شخص دیگری بودم" برخی از گویه هایی است که آزمودنی بایستی یکی از دو پاسخ "بلی" یا "خیر" را که بیان کننده تناسب یا عدم تناسب گویه مورد نظر با خصوصیات اوست انتخاب نماید. در این آزمون حداکثر نمرات +۸۰ و حداقل آن -۸۰ می باشد و به گزینه ای که پاسخ داده نشود نمره صفر تعلق می گیرد. روایی محتوایی این آزمون در بخش روانشناسی دانشگاه شیراز تایید، و پایایی آن با روش بازآزمایی ($r=0.86$) با خطای معیار اندازه گیری ۱۱/۹۹ تعیین گردید. همچنین از آزمون نظام خانواده (Family System Test) که ابزاری بالینی جهت سنجش همزمان وضعیت همبستگی و قدرت در خانواده واقعی (فعلی) و خانواده آرمانی به شکل نمادین است، نیز استفاده شد (۱۶).

این آزمون از یک صفحه چوبی شطرنجی به ابعاد ۴۵×۴۵ سانتی متر تشکیل شده که به ۸۱ خانه ۵×۵ سانتی متری تقسیم می شود. مجسمه های چوبی با ارتفاع ۸ سانتی متر در اشکال مؤنث و مذکر و قطعات استوانه ای چوبی در اندازه های ۱/۵، ۳ و ۴/۵ سانتی متر، با قرار گرفتن در زیر مجسمه های چوبی به صورت نمادین ساختار قدرت و همبستگی را در بین اعضای خانواده به نمایش می گذارند. میزان فاصله بین مجسمه ها مؤلفه مهم در تعیین میزان همبستگی بین اعضای خانواده می باشد. روش نمره گذاری به این ترتیب است که به منظور تعیین نمره همبستگی، ابتدا فاصله بین هر زوج از مجسمه ها با استفاده از فرمول $A = (X_1 - X_2)^2 + (Y_1 - Y_2)^2$ محاسبه می گردد. در این فرمول X_1 ، Y_1 ، X_2 و Y_2 بیانگر جایگاه دو مجسمه مورد نظر بر حسب دو طرف صفحه (محور X و Y) می باشد. سپس جذر عدد بدست آمده از فرمول فوق، از عدد ۱۲ کسر می شود ($\sqrt{A-12}$). در تبیین قدرت اعضای خانواده، ارتفاع استوانه هایی که از سوی آزمودنی در زیر هر یک از مجسمه ها قرار می گیرد مورد توجه قرار می گیرد. بدین منظور برای تعیین نمره اختلاف قدرت بین اعضای خانواده ارتفاع هر استوانه از استوانه های دیگر کم می شود.

در این مطالعه بر اساس ابعاد مختلف رابطه شامل همبستگی و قدرت در دو وضعیت واقعی و آرمانی، هر آزمودنی دارای ۱۶ نمره است که چهار نمره مربوط به همبستگی در خانواده واقعی (دانشجو- پدر، دانشجو- مادر، مادر- پدر و نمره کل)، چهار نمره مربوط به همبستگی در خانواده آرمانی در روابط ذکر شده، چهار نمره مربوط به قدرت در خانواده واقعی و چهار نمره مربوط به قدرت در خانواده آرمانی می باشد. Jowkar ضریب پایایی این آزمون را با اجرای بازآزمایی در بعد همبستگی برابر ۰/۷۵ و در بعد قدرت برابر ۰/۷۸ ذکر کرده است (۱۷). روایی این آزمون نیز توسط صاحب نظران و اساتید مجرب دانشکده

قدرت اعضاء خانواده تاثیر معنی داری دارد (۳). یافته های مطالعات انجام شده بر مفهوم "همبستگی" به معنای میزان صمیمیت و روابط عاطفی اعضای خانواده نیز نشانگر رابطه منفی همبستگی خانوادگی با احساس افسردگی، رفتارهای پرخطرانه و بزهکاری در نوجوانان و جوانان بوده است (۴۵). نتایج مطالعات بطور کلی بر این امر دلالت دارد در خانواده هایی که تضاد و برخورد بین والدین زیاد و روابط غلط حاکم است، احساسات و رفتارهای پرخطرانه در فرزندان آنان دیده می شود و این افراد به طور جدی از لحاظ عملکرد اجتماعی و خودپنداره دچار مشکل هستند، در عوض افرادی که در دوران نوجوانی از حمایت عاطفی و مناسب والدین برخوردار بوده اند در بزرگسالی از سلامت روحی و حتی جسمی بهتری برخوردار بوده اند (۶ و ۷).

بر اساس نتایج مطالعات انجام شده، روابط منفی اعضاء خانواده به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز و تداوم مشکلات روانی، اختلال در خودپنداره، آشفته شدن محیط خانواده و بیزاری تدریجی فرزندان از خانواده شناخته می شود و روابط مثبت والدین با فرزندان، احساس همبستگی خانواده و سلامت روانی آنان را در پی خواهد داشت (۸ و ۹). تا دو دهه قبل غالب نظریه پردازان رشد می پنداشتند که با طی مراحل رشد، فرزندان تمایل دارند رابطه خود را با خانواده (خصوصاً پدر و مادر) قطع و به عنوان فردی مستقل عمل نمایند (۱۰). اما امروزه برخی محققین بر این باورند که فرزندان قادرند در عین حفظ فردیت و استقلال، پیوند خود را نیز با والدین حفظ نمایند و در چنین حالتی است که می توانند یک دوره بزرگسالی همراه با سلامت روانی در پیش رو داشته باشند (۱۱). این موضوع به لحاظ تجربی و تحقیقاتی بر شواهد محکمی استوار نیست و کاهش ارتباطات عاطفی بین والدین و فرزندان همراه با رشد آنان در تحقیقات متعددی به تایید رسیده است (۱۲). اما برخی محققان بر این باورند که غالب یافته های موجود محصول مطالعات انجام شده در فرهنگ جامعه غربی می باشد که در آنها فردیت و خودمختاری مورد تاکید است (۱۳). علاوه بر تناقضات فوق، برخی تحقیقات به عدم تفاوت بین ادراک دختران و پسران در ارتباط با همبستگی درون خانواده و برخی دیگر به وجود تفاوت های آشکار میان دختران و پسران اشاره نموده اند. در عین حال باید پذیرفت که نتایج این تحقیقات عمدتاً دلالت بر این نکته دارد که دختران روابط عاطفی صمیمانه و گرم تری با والدین داشته اند (۱۴ و ۱۵).

تناقض در نتایج مطالعات فوق انجام مطالعات بیشتر در این زمینه را ضروری ساخته است. علاوه بر این، مطالعات انجام شده در این زمینه عمدتاً در کشور های اروپایی و آمریکایی انجام شده که در آنها به تفاوت های فرهنگی موجود در جوامع شرقی بی توجهی شده است. به همین دلیل و با توجه به اهمیت نقش خانواده در شکل گیری خودپنداره و سلامت روانی فرزندان و لزوم کشف ادراکات خود فرزندان از ساختار قدرت و همبستگی در خانواده، و با توجه به خلاء اطلاعات موجود در این زمینه، مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط خودپنداره دانشجویان با ادراک آنان از ساختار قدرت و همبستگی در روابط خانوادگی در دانشکده پرستاری و مامایی شیراز انجام شد.

مواد و روشها

این مطالعه مقطعی بر روی ۱۷۳ نفر از دانشجویان پرستاری مشغول به تحصیل در دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س) شیراز انجام شد. بر

علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز مورد سنجش و تأیید قرار گرفته است. جهت اجرای مطالعه، ابتدا دانشجویان به صورت انفرادی و خود ایفا پرسشنامه کوپر اسمیت را تکمیل نمودند. سپس از هر دانشجو خواسته شد تا درک خود را از همبستگی و قدرت در خانواده واقعی و آرمانی با استفاده از آزمون نظام خانواده نشان دهد. به عنوان مثال در صورتی که دانشجو مؤنث بود و یک برادر داشت، دو مجسمه مؤنث و دو مجسمه مذکر در اختیار وی قرار داده می‌شد و از وی خواسته می‌شد که ابتدا بر اساس میزان صمیمیت اعضای خانواده مجسمه‌ها را بر روی صفحه قرار دهد. بر این اساس میزان صمیمیت بین اعضای خانواده از طریق فرمول مربوط به فاصله مجسمه‌ها از یکدیگر تعیین گردید. پس از آن با قرار دادن استوانه‌ها در زیر هر مجسمه میزان قدرت هر عضو در تصمیم‌گیری‌های خانواده نیز تعیین گردید. بدین صورت که هر چه ارتفاع استوانه بیشتر باشد، قدرت آن عضو بیشتر خواهد بود. در پایان این مرحله از صفحه عکس گرفته شد. در مرحله بعد از هر دانشجو خواسته شد تا وضعیت همبستگی و قدرت را در خانواده آرمانی و ایده‌آل خود به نمایش بگذارد و مجدداً از صفحه عکس گرفته شد.

سپس داده‌ها با استفاده از آزمونهای تی مستقل، تی زوجی، تحلیل واریانس (ANOVA)، آزمون توکی و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل و $p < 0.05$ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۹۹ نفر (۷۶/۲٪) دختر و ۳۱ نفر (۲۳/۸٪) پسر بودند که ۳۶/۹٪ (۴۸ نفر) دانشجویان شرکت کننده، فرزند دوم خانواده، ۳۰/۸٪ (۴۰ نفر) فرزند اول و ۳۲/۳٪ (۴۲ نفر) فرزند سوم خانواده بودند. ۴۴ نفر (۲۳/۸٪) در سال اول دانشگاه، ۵۷ نفر (۴۳/۸٪) در سال دوم دانشگاه و ۲۹ نفر (۲۲/۴٪) در سال سوم به تحصیل اشتغال داشتند، هیچیک از دانشجویان سال چهارم داوطلب شرکت در این مطالعه نشدند. همچنین ۶۳/۱٪ دانشجویان مورد مطالعه ساکن خوابگاه و ۳۶/۹٪ آنان نزد خانواده‌های خود سکونت داشتند. میزان همبستگی بین "خودپنداره دانشجویان" و "ادراک آنان از همبستگی در خانواده واقعی" در

هر سه نوع رابطه دانشجویان - پدر ($p = 0.0001$ و $r = 0.67$)، دانشجویان - مادر ($p = 0.0001$ و $r = 0.38$)، پدر - مادر ($p = 0.0001$ و $r = 0.4$) و همبستگی بین کل اعضای خانواده ($p = 0.0001$ و $r = 0.64$)، رابطه مثبت و معنی‌داری را نشان داد. همچنین بین "خودپنداره دانشجویان" و "ادراک آنان از تفاوت قدرت در خانواده واقعی" در دو نوع رابطه دانشجویان - مادر ($p = 0.0001$ و $r = 0.27$) و پدر - مادر ($p = 0.003$ و $r = -0.26$) به ترتیب رابطه مثبت و معنی‌دار و رابطه منفی (معکوس) و معنی‌دار وجود داشت. در همین حیطه بین خودپنداره دانشجویان و رابطه دانشجویان - پدر رابطه معنی‌داری را نشان نداد ($p = 0.085$ و $r = 0.1$). میانگین نمرات ادراک دانشجویان دختر و پسر از "همبستگی" در خانواده آرمانی بیشتر از خانواده واقعی می‌باشد. بین میانگین نمرات درک دانشجویان از همبستگی در خانواده واقعی و آرمانی نیز تفاوت معنی‌داری ($p < 0.0001$) را نشان داد. علاوه بر این هم پسران و هم دختران بیشترین همبستگی واقعی را بین خود با مادر سپس بین پدر با مادر و در نهایت بین خود با پدر خانواده درک نموده‌اند (جدول شماره ۱). میانگین نمرات درک دانشجویان دختر و پسر از "تفاوت قدرت" در خانواده آرمانی کمتر از خانواده واقعی و بین میانگین نمرات درک دانشجویان از قدرت در خانواده واقعی و آرمانی نیز تفاوت معنی‌داری مشاهده شد ($p < 0.0001$) (جدول شماره ۲).

تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات خودپنداره دانشجویان بر حسب متغیرهای رتبه تولد ($p = 0.001$ و $F = 7.05$)، محل اقامت ($p = 0.01$ و $t = 2.41$) و تحصیلات پدر ($p = 0.001$ و $F = 5.28$) مشاهده شد ($p < 0.01$). فرزندان دوم نسبت به فرزندان اول و سوم از خودپنداره بالاتری برخوردار بوده و فرزندان آخر دارای کمترین میزان خودپنداره بودند.

همچنین دانشجویان بومی که همراه با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند از خودپنداره بالاتری نسبت به دانشجویان ساکن خوابگاه برخوردارند و دانشجویانی که پدران تحصیل کرده در حد دیپلم و بالاتر داشتند از خودپنداره بهتری نسبت به دانشجویان دارای پدران بی سواد یا کم سواد برخوردار بودند. این در حالی است که بین میانگین نمره خودپنداره دانشجویان و متغیر جنس رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف معیار ادراک دانشجویان از همبستگی در خانواده واقعی و آرمانی

جنس	خانواده	دانشجو- پدر	دانشجو- مادر	پدر- مادر	کل
		PV	X ± SD	PV	X ± SD
دختر	واقعی	۹/۸۶ ± ۱/۲۳	۱۰/۵۲ ± ۹/۱	۱۰/۲۶ ± ۹/۴	۱۰/۲۱ ± ۸/۱
(۹۹ نفر)	آرمانی	۱۰/۵۲ ± ۷/۵	۱۰/۷۸ ± ۴/۸	۱۰/۶۱ ± ۵/۱	۱۰/۶۴ ± ۳/۷
		۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
پسر	واقعی	۹/۷۹ ± ۱/۴	۱۰/۶۱ ± ۷/۲	۹/۹۲ ± ۱/۴۲	۱۰/۱ ± ۹/۵
(۳۱ نفر)	آرمانی	۱۰/۵۲ ± ۷/۸	۱۰/۸۴ ± ۴/۱	۱۰/۵۳ ± ۷/۷	۱۰/۶۳ ± ۵/۵
		۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
کل	واقعی	۹/۸۲ ± ۱/۲۷	۱۰/۵۶ ± ۸/۶	۱۰/۰۹ ± ۱/۰۸	۱۰/۱۵ ± ۸/۴
(۱۳۰ نفر)	آرمانی	۱۰/۵۲ ± ۷/۶	۱۰/۸ ± ۴/۶	۱۰/۵۹ ± ۵/۸	۱۰/۶۴ ± ۴/۲
		۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

جدول شماره ۲. میانگین و انحراف معیار ادراک دانشجویان از قدرت در خانواده واقعی و آرمانی

جنس	خانواده	دانشجو- پدر		دانشجو- مادر		پدر- مادر		کل	
		PV	X ± SD	PV	X ± SD	PV	X ± SD	PV	X ± SD
دختر (۹۹ نفر)	واقعی	۰/۰۰۰۱	۱/۹۸±۰/۹	۰/۰۰۰۱	۱/۲۴±۰/۸۳	۰/۰۰۰۱	۱/۱۶±۱/۰۶	۰/۰۰۰۱	۱/۴۶±۰/۶۴
	آرمانی		۱/۳±۰/۷۳		۰/۹۸±۱/۰۰		۰/۶۵±۰/۸۳		۰/۹۷±۰/۵۴
پسر (۳۱ نفر)	واقعی	۰/۰۰۰۱	۲/۰۳±۱/۱۹	۰/۰۰۰۱	۱/۰۶±۱/۱۷	۰/۰۰۰۱	۱/۴±۰/۸۶	۰/۰۰۰۱	۱/۵±۰/۸۳
	آرمانی		۱/۱۶±۱/۰۰		۰/۹۱±۱/۰۰		۰/۸۷±۰/۷۵		۰/۹۸±۰/۶۲
کل (۱۳۰ نفر)	واقعی	۰/۰۰۰۱	۱/۹۹±۰/۹۷	۰/۰۰۰۱	۱/۲±۰/۹۲	۰/۰۰۰۱	۱/۲۲±۱/۰۱	۰/۰۰۰۱	۱/۴۷±۰/۶۹
	آرمانی		۱/۲۶±۰/۸		۰/۹۶±۱/۰۰		۰/۷±۰/۸۱		۰/۹۸±۰/۵۶

جدول شماره ۳. مقایسه نمرات خودپنداره دانشجویان بر حسب متغیرهای دموگرافیک

خودپنداره				جنس	
PV	μ	SD	n		
	۴۶/۲۹	۱۹/۷۷	۹۹	دختر	جنس
p = ۰/۵۳	۴۳/۷	۲۱/۸۵	۳۱	پسر	
	۳۴/۰	۲۴/۳۹	۷	بیسواد	
	۳۲/۳	۱۹/۷۷	۲۶	ابتدایی	تحصیلات
p = ۰/۰۰۱	۵۲/۶	۱۶/۳۸	۱۵	متوسطه	
	۵۰/۰۶	۲۱/۲۲	۴۹	دیپلم	
	۴۹/۰۳	۱۸/۳۸	۳۳	دانشگاهی	رتبه تولد
	۴۸/۰۵	۱۵/۹۴	۴۰	فرزند اول	
p = ۰/۰۰۱	۵۱/۵۶	۱۲/۰۵	۴۸	فرزند دوم	
	۳۶/۶۹	۱۷/۴	۴۲	فرزند سوم	محل اقامت
p = ۰/۰۱	۴۲/۴۶	۲۱/۹	۸۲	خوابگاه	
	۵۱/۱۶	۱۵/۷۳	۴۸	منزل	

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان همبستگی در خانواده و خودپنداره دانشجویان وجود دارد همبستگی اعضای خانواده می‌تواند آثار مثبتی بر احساس کنترل و سلامت در فرزندان خانواده داشته باشد (۱۸). نتایج مطالعه ای که بر روی والدین و فرزندان نوجوان آنان در کشور سوئیس انجام شد، نشان دهنده رابطه مثبت همبستگی خانوادگی با احساس رضایت فردی و سلامت روانی در فرزندان و پدر خانواده بود. در همین مطالعه، نظر مادران خانواده‌ها در باره رابطه همبستگی در خانواده و احساس سلامت و آرامش روانی با نظر فرزندان و پدران متفاوت بوده است (۹). احتمالاً عواملی همچون جنس، نقش، جایگاه و به خصوص تعریف هر فرد از رابطه عاطفی در خانواده در این نتیجه گیری موثر بوده است. بر اساس نتایج برخی مطالعات، تعریفی که افراد از همبستگی در درون خانواده دارند می‌تواند بر نتایج تحقیق تاثیر گذار باشد. این واقعیت در مطالعاتی که با هدف ارزیابی تاثیر تعریف افراد از همبستگی و قدرت در خانواده بر نمره آزمون نظام خانواده انجام شد، به خوبی مورد تایید قرار گرفته است (۳). یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که بین

ادراک دانشجویان از تفاوت قدرت پدر - مادر و خود پنداره آنان رابطه منفی (معکوس) و معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه تفاوت قدرت بین پدر - مادر در خانواده کمتر باشد فرزندان از خود پنداره بالاتری برخوردار خواهند بود. تفاوت قدرت کمتر بین پدر و مادر و مشارکت دادن بیشتر مادر در تصمیم گیری های خانواده باعث ایجاد صمیمیت و ارتباط بهتر والدین با یکدیگر می شود که نتیجه آن ایجاد همبستگی و انسجام بیشتر در کل خانواده می باشد. البته در این زمینه باید به عوامل فرهنگی توجه ویژه داشت. در برخی جوامع و فرهنگ هایی که در آنها به طور سنتی پدر خانواده از قدرت بسیار بالایی برخوردار است کاهش تفاوت قدرت بین پدر و مادر می تواند نتایج عکس دنبال داشته باشد (۱۹).

موضوعی که از آن در مطالعه Rivera و همکاران، به عنوان تهدید ساختار سلسله مراتبی قدرت نام برده شده، نشان داد که چگونه به دنبال فقر اقتصادی ناشی از مهاجرت و نیاز به اشتغال به کار زنان خانواده، ساختار قدرت در این خانواده ها دچار تغییر شده و تنش هایی را درون خانواده ها ایجاد می کند (۴). زمانی که قدرت بطور روشن و واضح بین اعضای خانواده تقسیم گردد، اعضا

و مشغولیت بیشتر زنان در خارج از خانه را عامل ضعیف شدن ارتباطات در خانواده و بروز بحران های خانوادگی ذکر می نمایند که در این بین فرزندان دچار لطامات جبران ناپذیری خواهند شد (۲۳). در ارتباط با میزان همبستگی متغیرهای جمعیت شناختی با میزان خودپنداره، در حالی که بین متغیرهای تحصیلات پدر، رتبه تولد و محل اقامت رابطه کاملاً معنی داری با نمره خودپنداره نمونه ها مشاهده شد، متغیر جنسیت فاقد رابطه معنی داری با میزان نمره خودپنداره دانشجویان مورد مطالعه بود. شاید بتوان علت این مساله را به موضوع کنترل جمعیت نسبت داد. در واقع جلوگیری از افزایش تعداد فرزندان سبب شده تا علاوه بر رشد کودک محوری در خانواده، والدین الگوی ارتباطی تقریباً یکسانی با فرزندان پسر و دختر خود داشته باشند. این موضوع خصوصاً با در نظر گرفتن این مساله که تحقیق حاضر در خانواده هایی با جمعیت حداکثر پنج نفر اجرا شده، قابل تفسیر است. علاوه بر این عوامل فرهنگی به صورت تغییر دیدگاه والدین نسبت به فرزندان دختر و پسر نیز می تواند تاثیرگذار باشد.

با آگاهی از محدودیت های این مطالعه نظیر غیر قابل کنترل بودن تأثیر عوامل محیطی بر دانشجویان ساکن در خوابگاه، تفاوت های فردی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و وضعی جسمی - روانی افراد، همچنین تأثیر عوامل محیطی، ارتباط با مربیان و حتی ماهیت رشته تحصیلی بر نتیجه تحقیق، بر اساس نتایج این مطالعه پیشنهاد می شود در نظام سلامت جامعه برنامه های آموزشی والدین جدی تر گرفته شود و موضوع حمایت های خانواده از اعضاء با تأکید بر همبستگی و نه وابستگی در برنامه های خانواده درمانی و مشاوره های بالینی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می شود این تحقیق در بعد وسیع تر بر روی سایر اقشار جامعه و دانشجویان سایر رشته های تحصیلی انجام گیرد و در مطالعات بعدی، تحقیقات در قالب مطالعات طولی اجرا شود تا از این طریق توصیف دقیق تر و جامع تری از ارتباطات فراهم آید.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از همه کسانی که در انجام این مطالعه همکاری داشتند به خصوص مدیریت محترم پژوهشی دانشگاه شیراز، مدیریت محترم دانشگاه علوم بهزیستی، ریاست محترم دانشکده پرستاری شیراز و نیز خود دانشجویان عزیزی که وقت خود را در اختیار محققین گذاشتند تقدیر و تشکر می گردد.

فرصت مناسب جهت رشد فردی و افزایش اعتماد به نفس در خانواده خواهند داشت. یافته های این مطالعه همچنین ارتباط معنی داری را بین خود پنداره و درک از تفاوت قدرت در رابطه دانشجوی - پدر نشان نداد و نکته دیگر اینکه در رابطه بین دانشجوی - پدر در بعد همبستگی خودپنداره دانشجوی، قوی تر از سایر روابط بوده است. این وضعیت احتمالاً به این دلیل است که در فرهنگ و جامعه ایرانی نیز نقش پدر به عنوان فردی قدرتمند در خانواده پسندیده و مطلوب می باشد و توسط اکثریت خانواده ها پذیرفته شده است. همچنین بر اساس انتظارات فرهنگی، پدران به عنوان رئیس خانواده مسئولیت و نقش بیشتری در کسب استقلال و افزایش کفایت اجتماعی فرزندان دارند. این مطلب را دانشجویان نیز در حین اجرای تحقیق بیان می کردند. آنان معتقد بودند که پدران بهترین رئیس و مادران بهترین مدیر برای خانواده می باشند.

در این مطالعه در بعد درک از همبستگی، هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر خانواده آرمانی را منسجم تر و در بعد قدرت، دارای تفاوت قدرت کمتری می دانستند. یافته ها نشان داد که در تمامی مقایسه ها و در هر دو گروه دختر و پسر بین دو وضعیت واقعی و آرمانی تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج برخی مطالعات حاکی از آن است که جوانان خواستار برقراری روابط صمیمانه تری بین اعضای خانواده بوده و از عدم برخورداری از حمایت و قدرت خانواده در شرایط خاص شاکی هستند و آن را دلیل بسیاری از مشکلات خود می دانند (۲۰ و ۲۱). در مقایسه روابط مختلف دانشجوی - پدر، دانشجوی - مادر و پدر - مادر، نتایج مؤید آن است که بیشترین همبستگی و کمترین تفاوت قدرت در رابطه بین دانشجوی - مادر و کمترین همبستگی و بیشترین تفاوت قدرت در رابطه بین دانشجوی - پدر بوده است. در حالیکه رابطه پدر - مادر تقریباً در حد رابطه دانشجوی - مادر بوده است. این مساله احتمالاً ناشی از توجه خاص مادران و ارتباط صمیمانه تر آنها با فرزندان می باشد. به نظر می رسد که اشتغال تمام وقت پدران و خلاصه نمودن زندگی در کار، دید انتقادآمیز پدران نسبت به فرزندان و عدم درک و حمایت آنان در شرایط حاد و بحرانی از دلایل اصلی کمبود رابطه بین دانشجویان و پدرانشان است. خود دانشجویان در مراحل اجرایی مطالعه خواستار این بودند که پدران وقت بیشتری را جهت گفت و شنودهای دوستانه به آنها اختصاص دهند. نتایج تحقیقات مشابه نیز مویید این نکته است که نوجوانان دختر و پسر در ارتباط با والدین، غرابت بیشتری با پدر خود دارند و بیشترین میزان دلبستگی را نسبت به مادر خود احساس می کنند (۲۲). محققان کشیده شدن خانواده ها به سمت فمینیسم، خانواده های تک والدی

Relationship between Structure of Power and Cohesion in Family and Self Concept of Students

M. Bahreini (PhD)¹, S. Behzadi (MSc)^{2*}, B. Jokar (PhD)³, F. Dehghan (MD)⁴, Sh. Shahamat (MSc)⁵

1. Department of Mental Health Nursing, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

2. Department of Nursing, Arsanjan Islamic Azad University, Arsanjan, Iran

3. Department of Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

4. Oil Company Polyclinics, National Iran Oil Company, Shiraz, Iran.

5. Department of Nursing, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

J Babol Univ Med Sci;12(3); Aug-Sep 2010

Received: Aug 19th 2009, Revised: Dec 9th 2009, Accepted: Mar 10th 2010.

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVE: Family structure plays an important role in self-concept development of family members. Despite this, our information about relationship between self concept and power as ability of influence on behaviors of family members and cohesion as emotional relationship of family members in Iranian society is insufficient. The purpose of this study was to detect the relationship between students self concept and their perception of cohesion and power structure in family.

METHODS: This cross sectional study performed at Shiraz nursing school. Samples consisted of 130 nursing students selected by purposeful sampling. The self-concept of students was measured using 80 items Coopersmith self-concept inventory, maximum and minimum possible score on the scale is +80 and -80. Various aspects of relationship including cohesion and power in typical and ideal situation have 16 scores. Data were collected daily over a 2 week period using Family System Test (FAST), to measure perceptions of family members about power and cohesion in typical and ideal family due to place schematic figure on the board.

FINDINGS: There was a positive and significant relationship between the students' self-concept and their perception of cohesion between student-father ($r=0.67$), student-mother ($r=0.38$), and father-mother ($r=0.4$) in real family ($p=0.0001$). However, there was a reverse and significant correlation between the students' self-concept and their perception of power between father and mother in the family ($r=-0.26$, $p=0.003$). There was a statistically significant difference between real (10.15 ± 84) and ideal family (10.46 ± 42) regarding to the students' perception of family cohesion and power ($p \leq 0.0001$).

CONCLUSION: These findings revealed that students' self-concept rate, had a significant direct correlation with their perception of family cohesion and power. So this issue should be considering in family and parents education programs.

KEY WORDS: *Power, Family, Self concept, Perception.*

*Corresponding Author;

Address: Department of Nursing, Arsanjan Islamic Azad University, Arsanjan, Iran

Tel: +98 729 7623907-12

E-mail: sina2007fars@yahoo.com

References

1. Alsaker FD, Olweus D. Global self-evaluations and perceived instability of self in early adolescence: a cohort longitudinal study. *Scand J Psychol* 1993;34(1):47- 63.
2. Myers DG. *Psychology: Myers in modules*, 6th ed, New York: Worth Publishers 2001; pp: 87-8.
3. Kahn JS, Meier ST. Children's definitions of family power and cohesion affect scores on the family system test. *Am J Fam Ther* 2001;29(2):141-54.
4. Rivera F I, Guarnaccia PJ, Mulvaney-Day N, Lin JY, Torres M, Alegria M. Family cohesion and its relationship to psychological distress among Latino groups. *Hisp J Behav Sci* 2008;30(3):357-78.
5. Hartos JL, Power TG. Association between mother and adolescent reports for assessing relations between parent-adolescent. *Communication and adolescent adjustment. J Youth Adolesc* 2000;29(4):441-50.
6. Grych JH, Wachsmuth-Schlaefel T, Klockow LL. Interparental aggression and young children's representations of family relationships. *J Fam Psychol* 2002;16(3):259-72.
7. Parten D, Shaw BA. Lack of parental support during childhood is associated with increased adult depression and chronic health problems. 2004: 1914. Available from: [www.Apa.org/journals/pag/pressreleases/march 2004/page 1914.](http://www.Apa.org/journals/pag/pressreleases/march 2004/page 1914.Html) Html.
8. Behnke AO, MacDermid SM, Coltrane SL, Parke RD, Duffy S, Widaman KF. Family cohesion in the lives of Mexican American and European American parents. *J Marriage Fam* 2008; 70(4): 1045-1059.
9. Vandeleur CL, Jeanpretre N, Perrez M, Schoebi D. Cohesion, satisfaction with family bonds, and emotional well-being in families with adolescents. *J Marriage Fam* 2009; 71(5): 1205-1209.
10. Muuss RE, Porton HD. Increasing risk behavior among adolescents. In: Muuss RE, Porton HD, Editors. *Adolescent behavior and society: a book of readings*. 5th ed. New York: McGraw Hill 1998; pp: 422-31.
11. Para A, Oliva A. A longitudinal research on the development of emotional autonomy during adolescence. *Span J Psychol* 2009;12(1):66-75.
12. Frank SJ, Pirsch LA, Wright VC. Late adolescents' perceptions of their relationships with their parents: Relationships among deidealization, autonomy, relatedness and insecurity and implications for adolescent adjustment and ego identity status. *J Youth Adolesc* 1990;19(6):571-88.
13. Mayseless O, Wiseman H, Hai I. Adolescents relationships with father, mother, and same- gender friend. *J Adolesc Res* 1998;13(1):101-23.
14. Steinberg L. Recent research on the family at adolescence: the extend and nature of sex difference. *J Youth Adolesc* 1987;16:191-7.
15. Noller P, Callan VJ. Adolescents' perceptions and the nature or their communication with parents. *J Youth Adolesc* 1990;19(4):349-62.
16. Gehring TM, Marti D. Concept and psychometric properties of the FAST. In: Gehring TM, Debry M, Smith PK, Editors. *The family system test: theory and application*. London and Philadelphia: Rutledge 2001;pp: 3-27, Available from: www.fast-Test.com.
17. Jowkar B. The study of adolescents' perception of cohesion and power in family relationship: a cross sectional study. *J Soc Sci Hum Shiraz Univ* 1999;15(1):43-66. [in Persian]
18. Lucia VC, Breslau N. Family cohesion and children's behavior problems: A longitudinal investigation. *Psychiat Res* 2006;141:141-9.
19. Alegria M, Takeuchi D, Canino G, et al. Considering context, place and culture: the National Latino and Asian American Study. *Int J Methods Psychiatr Res* 2004;13(4):208-20.
20. Henderson CE, Dakof GA, Schwartz SJ, Liddle HA. Self-concept family functioning and severity of adolescent externalizing problems. *J Child Fam Stud* 2006;15(6):719-31.

21. Lee MT, Wong BP, Chow BW, McBrid-Chang C. Predictors of suicide ideation and depression in Hong Kong adolescents: Perception of academic and family climates. *Suicide Life Threat Behav* 2006;36 (1):82-96.
22. Samani S. A comparison of attachment to mother, father and peers in guidance school students in Shiraz. *J Soc Sci Hum Shiraz Univ* 2007; 25(4(49):99-111. [in Persian]
23. Walton EC, Tukeuchi D. Gender matters: family structure, family processes and well-being among Asian Americans 2006. Available from: www.allacademic.com/meta/p104641_index.html.